

و فریاد الهزار بلند کرد و سوار شد و بممرل سلیمان عسکری رسید و گفت  
 محاصره شدیم رود سوار شو والا اسیر دشمن میشوی و فرار کرد سلیمان  
 عسکری پایش در حسگی تیر خورد بود نمیتوانست تنهائی سوار بر اسب  
 شود باید دو سه نفر با او کمک کنند تا سوار شود وقتی سوار می شد فرماندهی  
 شجاع و لایق بود افراد کافی آن ساعت حاضر بودند هر چه خواست سوار  
 شود بواسطه ارترس اینکه مبادا بدست دشمن افتد خود را کشت و سپاه  
 عثمانی از بصره بیرون رفت انگلیسها با یک بیرنگ سیاسی بصره را  
 تصرف کردند و همه عراق عرب طبق زمینه سازی بصره انگلیسها در آمد  
 و عراق را اردولت عثمانی جدا کردند اول کاری که کردند سید طالب نقیب  
 را گرفتند و بردند که احدی مهمید بکجا بردند و با او چه کردند سیاست  
 انگلیس همواره بر این محور بوده که هر کس را دارای افکار بلند سیاسی  
 و فعالیت فوق العاده میدیدند او را با خود همراه کرده بادت او مقاصد  
 مهمی را انجام میدادند سپس آنان را با وسایل مرهون از میان بر میداشتند  
 که مبادا بر ضد آنها قیام کنند بعد از بصره عراق عرب میجر کاکس ژنرال  
 قومسول انگلیس در بوشهر و آورنده نشان ستاره هد برای شیخ حرعل  
 که طراح نقشه تصرف عراق بود حاکم سیاسی آنجا قرار دادند شیخ -  
 حرعل که آنهمه لیره را خرج کرده بود با شرط و وعده انگلیسها و سلطنت  
 مستقل خود بود چنانکه سید طالب را بردند شیخ را هم مأیوس و ناامید  
 ساحه چون او را برنگ و با سیاست میدانستند انگلیسها همیشه آدمهای  
 ساده و کم عمق در سیاست را مورد حمایت و اجرای مقصود خود قرار میدهند  
 لذا شیخ فیصل را که مردی ساده و آلت دستی پیش بود سلطان عراق

شیخ حرعلی ناآن حسارت هگمت و رحمت زیاد از این رفتار انگلیسها بی اندازه کدر و کسل گردید در ایضا نقشه تحریره خودستان و سلطنت شیخ نقش بر آب شد و این خاطره تلخ را همیشه در بطر داشت و با انگلیسها بیرکح دار و حریر و گاهی هم با خشونت رفتار میکرد و از طرفی هم با دولت متبوع خود ایران مخالفت می کرد برای محمدعلیشاه و سالارالدوله پول میرستاد سالارالدوله بالناس مدخل و طررمحفی با شیخ ملاقات می کرد با شیخ در نقشه استقلال بود تا زمان و مامداری شاهمشاه فقید بحیال مخالفت افتاد موقعیکه شاه فقید وزیر حاک بود اتحادیه مثلث تشکیل داد با حسینیقلی حان ابو قداره و صولت الدوله قشقائی همدست شد که احمد شاه را از اروپا بخواهد و برصد دولت مرگری قیام نماید و در بطر داشت که حواین بختیاری را هم با خود همراه نماید در موقعیکه ایلحایی و حواین بختیاری مطابق معمول سواتی نقشلاق تا اطراف شوشتر میرفتند مرحوم امیر مجاهد بختیاری مر احم بعوان پر شک اردوی حواین بختیاری که در آن اوقات ایران مدار بودید با قرارداد معین و کترات بگردشگاهها و مناظر زیبای طبیعت همراه نقشلاق بردید در عقیلی بردیک شوشتر پسر شیخ حرعلی عبدالحمید باهدانای زیاد بدیدن حواین آمد و ایشان را بحر مشهور و اهوراز حساب بدردعوت کرد حواین از رفتن خود داری کردید و گفتند شیخ حرعلی حردش بیاید بعد از او باز دیدید میکیم ایلحایی بختیاری برقت لیکن امیر مجاهد یوسف حان و سلطان مراد حان مسطم الدوله نمایندند و علی مجلس شوری و بگازیده بعمیت ایشان در اهوراز بدیدن شیخ حرعلی رفتیم البته این دیدار پس از چند سال بعد از سالهای پیش که بر دشیخ

بودم اتفاق اوفاد قرار ملاقات حواین با شیخ حرعل در مسجد سلیمان  
 داده شد و در اسحا ملاقات کردند در آن سال مؤیدالدوله و پدرش دکتر  
 لقمان الملك ساپور فعلی مجلس سا حاکم اهوای بود در آنوقت حصر  
 رسید که محمد حسن میرزا ولیعهد از اروپا وارد حرمشهر میشود که از  
 راه بصره و بغداد عازم طهران شود مؤیدالدوله از شوشتر امیر مجاهد  
 منتظم الدوله بگاریده با ایساں چند روز برد شیخ حرعل در حرمشهر  
 بانتظار ولیعهد بودیم محمد حسن میرزا با کشتی برك انگلیسی که  
 پرچم ایران را بر بالای آن افراشه بودند وارد گردید و آقای لقمان -  
 الملك همراه ایشان بود با کشتی شیخ همه استقبال تا يك فرسخ بالا  
 تر از آبادان در شرط کارون رفتیم چون کشتی ولیعهد لنگر انداخت شیخ و  
 امیر مجاهد و حاکم حورستان از کشتی خود وارد کشتی و الاحصرت  
 شدند شیخ پای ولیعهد را بوسید با بر قاعده بایده حاکم حورستان استقبال  
 کنندگان را معرفی نماید شیخ حرعل پیشدستی نمود و همه را ولیعهد  
 معرفی کرد در آن موقع ولیعهد يك کلمه حریف با مؤید الدوله  
 حاکم حورستان بردشخ حرعل هم با نماسده دولت و شاه فرید میا -  
 حویی بداشت و برصد حکومت او بجر بک میکرد ولیعهد سابق حور  
 وارد کشتی شیخ شد و صدایی ها گذاشته بودند احاره حلوس ب همه دادار  
 طرف سریرسی کاکس معاون او بک بهر افغانی بود با حاج مفتاح الملك  
 ژبرال قوسول ایران در بغداد با استقبال ولیعهد آمده بودند که ترن مخصوص  
 در بصره حاضر است معاون کاکس سرپا استاده بود شیخ حرعل دستور  
 داد صدایی آوردند احاره حلوس باو داده شد میرزا حسن جان رئیس  
 مؤیدالدوله حاکم حورستان دیرتر رسید سرپا استاد صدایی بود شیخ

حرف اعتراف نکرد بکارنده با احترام مؤیدالدوله بر حاستم و صمدلی خود  
را باو دادم ولیعهد هم با سراجاره جلوس داد

همه منتظر بودیم که بیانات اولیه ولیعهد را بشویم متأسفانه ایشان  
از پیراهن جام های پاریس و مدلیاس آنها صحبت کرد و بعد از ربع ساعت  
باطاق بالای کشتی برای استراحت رفت و حاج مفتاح الملك ژنرال قوسول  
را با خود بالا برد مؤیدالدوله فوق العاده اربی اعتنائی ولیعهد کسل شد  
چون با بکارنده مهربان و طرف اعتماد او بودم علت گرفتگی او را  
پرسیدم گفت با این سی اعتنائی ولیعهد چگونه میتوانم در حورستان  
حکومت کنم و حلو تحریکات شیخ را بگیرم حاج مفتاح الملك برای  
کاری پائین آمد باو گفتم فکری بحال حاکم حورستان بکنید با این  
سی اعتنائی و الاحصرت چگونه میتواند حکومت کند رسماً ایشان باید  
طرف و محاطب فرمایشات ولیعهد باشد ژنرال قوسول عرض رسانید  
بعد از دو دقیقه روی پله ها آمد و گفت آقای مؤیدالدوله و الاحصرت شمارا  
احصار فرمودند مؤیدالدوله خوشحال شد و بالا رفت و روی همان حیر  
خواهی در طهران با بکارنده طرف مهربانی بود بعد از رفتن ولیعهد با  
کشتی و خود شیخ از حرمشهر با هواد آمدیم در کشتی گفت من سه -  
میلیون تومان خرج انگلیسها برای گرفتن عراق کردم این کشتی را ده  
من دادند که چهل هزار تومان ارزش دارد این بود مشهودات بکارنده  
که شاید حبه تاریخی داشته باشد در حاتمه هنگامیکه مشعول بگارش  
و پایان دادن باین اوراق بودم نامه ای از فرزندم که در پاریس مشعول تحصیل  
است رسید و پاسخی بطردشاعرا به باو نوشتم که او را تشویق بحدومت و  
دوست داشتن میهن کرده باشم و شاید در فرزندان میهن هم اثری داشته

باشد لذا در این کتاب درج گردیده

بهدای تو باد حان پدر  
قوت جسم ناتوان من  
روی تو شمع محفل افروزم  
نامه آورد زان عریز پسر  
عم و ریح فراق رفت از یاد  
بخودم مزده ایچچین دادم  
پسری پاکدل ححسته فری  
چون رپیری بگل رود پایم  
سوارد ز مهر حواهر خویش  
سرو سردار سروران سازد  
که رطب بر دهد بر هگدزی  
شادمانی کند بدین فرزند  
که در پیداد عرب ویران است  
با کمال شجاعت و تدبیر  
از نفاق و شقاق بگریزد  
که کسی خدمت چسین مادر  
که دعا هست از همه بهتر  
فارع از کید آسمان ناشی

پاسخ دیگر

گرم بهدای چشمه‌بایت  
ای یاد تو قوت روانم

ایرچ ای نور دیدگان پدر  
پسر خوب و مهربان من  
یاد تو موس شب و روزم  
بیک فرخنده پی رسید ز در  
از مصامین نامه گشتم شاد  
نامه ات را ندیده سپادم  
که خدا داده مر مرا پسری  
تا کند رفیع حستگیهایم  
پرستد همیشه مادر خویش  
تا خدایش ز مهر سوارد  
شود در جهان چون محل بری  
مام هیمن ارادشود حرسد  
پسرم مادر تو ایران است  
حشم دارد که زادگان دلیر  
مهر حصم دعا فرو ریزد  
من تو را حواهم ای عرب پند  
دعا حتم می‌کنم دفتر  
تا جهان است جاودان ناشی

ایرچ پسرم پدر فدایت  
فرزد عریز و مهربانم

ای میوه بو رسیده من  
دوری و نمیشوی فراموش  
درفقت آن ححسته فرید  
لیکن پسر مماش دلتک  
مردانه بکوش و دانش آموز  
ازرد تمام ربح و دوری  
زوریت فرا رسد در ایام  
فیروزی و حاه و نعمت و بار  
بعلی شوی رطب دهی بار  
مام وطن از توسر فرارد  
شرط آنکه بخدمتش گرائی  
او داد تورا حاصل بیکو  
هم صورت و سیرت بکوساحت  
تا بر حوری از دحائر علم  
او داد تورا فراست و هوش

وی روشی دو دیده من  
تمثال توام بود در آعوش  
ای بار خدا شکیب تاچند  
با عرم و نسات شو هم آهنگ  
کان گوهر بحر عالم افروز  
وار هرچه مشقت صسوری  
کار هر همای عرت و نام  
گردید تورا قرین و دمسار  
بس کام رتوشود شکر حواری  
بر داده خویشتن سارد  
و از عهده نعمتش بر آئی  
پرورد تورا به بهترین حو  
شوری سرت چنان بیداحت  
او داد تورا دکاوت حلم  
پس مام وطن مکن فراموش

- ۱- کتاب تاریخ ایران باستان نگارش حسین یربیا (مشیرالدوله)
- ۲- کتاب هشت مقاله بهراله فلسفی استاد دانشگاه طهران
- ۳- کتاب تاریخ پلوتارگ مورخ مشهور یونانی طبع شرکت کتاب
- ۴- سیاست نامه حواجه نظام الملک وزیر ملکشاه سلجوقی
- ۵- کتاب شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی
- ۶- کتاب دایرة المعارف اسلامی (مستدرك)
- ۷- دایرة المعارف علامه فقید علی اکبر دهخدا
- ۸- کتاب وندیداد که قسمتی از اوستا است ترجمه فاضل فقید داعی الاسلام
- ۹- کتاب گنجینه دارو و درمان نگارش دکتر علی پروا عظم
- ۱۰- کتاب طب اسلامی نگارش ادوارد براون انگلیسی
- ۱۱- محله تدریس مقاله عسی لیتوایی راجع به بیانات ژرژ لوتو تر فراسوای
- ۱۲- کتاب ایران و ادبیات جهان ترجمه و نگارش شجاع الدین شعا
- ۱۳- تاریخ تمدن اسلام نگارش حرجی زندان مورخ مصری
- ۱۴- کتاب زندگانی محمد نگارش دکتر محمد حسین هیکل مصری
- ۱۵- کتاب مثل الکامل عربی نگارش محمد حاد المولی ملک مصری
- ۱۶- کتاب جان دیون پورت انگلیسی راجع باسلام
- ۱۷- کتاب تاریخ طبری جلد اول
- ۱۸- کتاب احیاء الملوک امام محمد عراقی فیلسوف عالم اسلامی
- ۱۹- کتاب مکاسب پیشوای عالم شیخ شیخ مرتضی انصاری
- ۲۰- کتاب اصول کافی فقه اسلامی چاپ طهران
- ۲۱- کتاب تاریخ البرما به مورخ فراسوی ترجمه عبدالحمید هژر
- ۲۲- کتاب تاریخ روابط ایران و انگلیس نگارش بهراله فلسفی استاد  
دانشگاه طهران
- ۲۳- کتاب تاریخ ایران نگارش عباس اقبال استاد دانشگاه طهران
- ۲۴- کتاب دست پنهان سیاست انگلیس در ایران نگارش جان ملک ساسانی

- ۲۶- تاریخ روابط ایران و انگلیس نگارش محمود محمود
- ۲۷- تاریخ مشروطیت نگارش کسروی
- ۲۸- کتاب هندوستان در چه حال است نگارش فیلسوف امریکائی و بل دورانت
- ۲۹- مجله ماهیانه اطلاعات تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۳۰
- ۳۰- گنج ددانش محمدتقی جان حکیم
- ۳۱- کتاب مطلع الشمس نگارش محمدحسین صبیح الدوله تاریخ مشهد
- ۳۲- کتاب رونای صادقانه اعتماد السلطنه





## فهرست مندرجات

صفحه

۱۳	فصل اول مقتضیات عالم خلقت و عوامل طبیعت
۱۵	فصل دوم سوانح علمی و آثاره‌ری
۲۳	فصل سوم پادشاهان بزرگ ایران
۳۱	فصل چهارم جنگ ایران و روم در زمان السارسلان
۴۳	فصل پنجم فلاسفه و دانشمندان ایران که شهرت جهانی دارند
۵۰	فصل ششم قدمت علم و فن پزشکی در ایران
۵۵	فصل هفتم ابتکارات علمی اس‌سیا در تشخیص امراض و فن شیمی
۶۳	فصل هشتم مقایسه پزشکان ایران با پزشکان اروپا تا قرن هجدهم
۶۶	فصل نهم بزرگان شعروادب ایران
۷۳	فصل دهم روحیه علمی و مواریت اجدادی
۷۷	فصل یازدهم احساسات و تمایلات روحی
۸۱	فصل دوازدهم پرورش روان و آئین بردن بررسی در ایران
۸۷	فصل سیزدهم موقعیت تاریک جهان و ظهور آفتاب درخشان اسلام
۹۱	فصل چهاردهم عزم و ثبات خارق‌العاده پیمبر گرامی اسلام
۹۵	فصل پانزدهم سمان عقده و هجرت پیمبر گرامی از مکه مدینه
۹۹	فصل شانزدهم شبه‌ای از تعلیمات عالی و تمدن درخشان اسلام
۱۰۶	فصل هجدهم قصاص در آئین مقدس اسلام
۱۱۰	فصل نوزدهم تمدن درخشان اسلام و بنای آزادی
۱۱۵	فصل بیستم فلسفه حجاب زبان در قرون قبل از اسلام و بعد از اسلام
۱۱۹	فصل بیست و یکم ارفاق و مشور و محمد در حق نصاری
۱۲۳	فصل بیست و دویم ارفاق و مساعدت اسلام در باره مردم ایلیا و فلسطین
۱۲۹	فصل بیست و سوم حکمت و فلسفه حرام بودن خمر و قمار در اسلام
۱۳۳	فصل بیست و چهارم دعوی معجزه و حواری عادات نکرد
۱۳۶	فصل بیست و پنجم سوسالیسم و اسلام
۱۴۱	فصل بیست و ششم وحد و سماع در اسلام
۱۴۸	فصل بیست و هفتم روحیات شرق و ملیتهای اسلامی

- فصل بیست و هفتم روحیات عرب و ملت‌های اروپا ۱۵۲
- فصل بیست و هشتم تجدید علم (ریس‌اس) و پیدایش فلسفه ماتریالیسم در اروپا ۱۵۷
- فصل بیست و نهم سرچشمه عداوت و خصماء عرب سست شرق و ملت‌های اسلامی ۱۶۵
- فصل سی‌ام تجدید امپراطوری اسلام و وحشت مردم اروپا ۱۷۰
- فصل سی و یکم پادشاهی شاه عباس کبیر شاه‌شاه ایران ۱۷۳
- فصل سی و دوم فتح هندوستان بوسیله نادر شاه افشار و نگرانی دولت انگلیس ۱۸۵
- فصل سی و سوم نقشه بحریه و تحریریه و آمدن جان‌ملکم انگلیسی در ایران ۱۹۲
- فصل سی و چهارم حکم دوم روس و ایران تا عهدنامه ترکمانچای ۱۹۷
- فصل سی و پنجم آقاخان محلاتی و نقشه انگلیس ۲۰۲
- فصل سی و ششم ایران و قوای اجتماعی ۱۰۷
- فصل سی و هفتم سلطنت ناصرالدین شاه و اتحاد جنگ‌های داخلی ۲۱۳
- فصل سی و هشتم ملک‌خان و ترویج تمدن عرب در ایران ۲۲۲
- فصل سی و نهم نگرانی دولت انگلیس از قدرت روحانیون و العاء امتیاز رژی ۲۲۶
- فصل چهل سلطنت مظفرالدین شاه و انقلاب مشروطیت ۲۳۱
- فصل چهل و یکم سلطنت محمدعلی شاه قاجار ۲۳۵
- فصل چهل و دوم سلطنت احمد شاه قاجار ۲۳۹
- فصل چهل و سوم مردان بزرگ و سیاست ایران چگونه کشته شدند ۲۴۶
- فصل چهل و چهارم قتل سردانی خان امیر کبیر ۲۵۲
- فصل چهل و پنجم سلطنت شاه‌شاه بهلوی رضا شاه کسر ۲۶۲
- فصل چهل و ششم رازهای پنهانی و دست‌های ناپاک داخلی ۲۶۹
- فصل چهل و هفتم تبلیغات سمی برای اتحاد ناس و ضعف روحی ۲۷۳
- فصل چهل و هشتم فرق و تفاوت سوع مگری و علوم بدرسی ۲۷۸
- فصل چهل و نهم مدیحه‌سرانی و حوی تردگی ۲۸۵
- فصل پنجاهم نکوهش بزرگان علم و ادب از مدیحه‌سرانی ۲۹۰
- فصل پنجاه و یکم اشاعه سم مهلك بزرگان در ایران ۳۰۰
- فصل پنجاه و دوم ویل دورانت فیلسوف و مورخ امریکائی راجع به تریاک ۳۰۴
- فصل پنجاه و سوم مطالبه دولت انگلیس و مشاهدات ویل دورانت در هندوستان ۳۰۹
- فصل پنجاه و چهارم جان دیون بورت انگلیسی چه می‌گوید ۳۱۴
- فصل پنجاه و پنجم سواره هند برای شیخ حرعل و نقشه تحریر هندوستان ۳۲۲

ارخواندگان محترم خواهشمند است قبل از مطالعه صفحه  
 غلطنامه مراجعه نمایند

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۹	۱۵	میسوسم	میسوسم	۲۳	۱۸	کرهس	کرهس
۲۴	۱۶	ساحند	ساح	۴۱	۲۰	احسرای	احصرام
۴۱	۹	می پرسند	پرسند	۵۷	۶۱	Secree	Leclerc
۶۱	۳	وبانند	ودائنه	۶۲	۲	فرون	فرون
۶۶	۱۲	نک کله افاده	ربان فارمی	۸۸	۱۱	عاسند	عباسه
۸۹	۸	عسه	عسه	۹۲	۷	میدهم	میدهم
۹۳	۹	می پرسند	پرسند	۱۰۲	۵	حان	عبان
۱۱۰	۸	سود	سودند	۱۱۲	۲	داود	داد
۱۱۵	۱۱	امبی	امبی	۱۱۸	۷	سرح	سرح
۱۳۶	۱۰	فرآبی	فرآن	۱۴۱	۱۳	و	رانداس
۱۴۳	۲	لانک	لان	۱۵۲	۱۷	صمسه	صفحه
۱۵۴	۴	اسکولاسک	اسکولاسک	۱۵۵	۲۲	Bonn	Васон
۱۵۷	۲	رقناس	رقناس	۱۵۷	۴	بردن	سرون
۱۵۸	۲	ویدرد	دیدرد	۱۵۹	۲	درباب	ارباب
۱۶۰	۵	لن	لنس	۱۶۱	۲۲	میسارند	میسارند
۱۶۴	۳	کم	کسم	۱۶۵	۳	عدادن	عدادن
۱۶۶	۱	هر	هر	۱۷۸	۱۶	در	دو
۱۸۲	۱۲	می	می	۱۸۳	۸	می	می
۲۰۸	۱۶	کله	کله	۱۰۹	۳	میسرند	میسرند
۲۱۹	۶	دارد	وارد	۲۱۹	۴	عکس	صومر
۲۵۶	۱۹	نباشد	باشد	۲۵۸	۱۶	آمدند	رهند
۲۸۹	۱	صعی	سعی	۲۹۵	۲	داولی	اولی
۲۸۹	۹	سر	سر	۲۹۲	آخر صفحه	moer	de moere
۲۹۶	۱۱	قدار	قدا	۳۰۱	۱۸	معجوم	معجون
۳۱۵	۱۰	زدندن	زدند	۳۲۷	۱۸	خردس	خودس
۳۲۷	۲۱	نمایشه مجلس	کارمند نامه	۶۳	۱۷	سماهه ۱۲ سال هسم	سال هسم شماره ۱۰
۲۹۱	۱۲	نظرس	نظر حافظ				